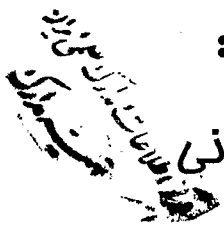


دانشگاه یزد
مجتمع هنر و معماری

عنوان رساله:

خانهای موسیقی یزد



دانشجو:

مهدی ختانی

اساتید راهنما:

دکتر کاظم مندگاری

مهندس نریمان فرمزا

۱۳۸۶ / ۱۲ / ۰۵

پاییز ۱۳۸۵

۹ ۴ ۷۵۱

۱۳۸۶ / ۱۲ / ۵

با سپاس از زحمات بی‌دریغ مادر و پدر
با تشکر از همراهی و همیاری همسر
با قدردانی از دلسوزی‌های تمامی اساتید
تقدیم به تمام دوست‌داران هنر و معماری

	چکیده
۱	دیباچه
۲	مقدمه
۳	بیان مسأله
۷	بیان موضوع
	فصل اول
۱۰	آشنایی با موسیقی (هدف از آشنایی)
۱۱	نیم نگاهی به موسیقی ایران
۱۳	موسیقی در یزد
۱۵	تعریف موسیقی
۱۷	عوامل سازنده‌ی موسیقی
۲۵	از موسیقی تا معماری
	فصل دوم
۲۹	آشنایی با ویژگی‌های معماری یزد (هدف از آشنایی)
۳۲	معماری ترجمان موسیقی اقلیم
۳۸	درآمدی بر فضای موسیقایی در معماری یزد
۴۰	آواز باد
۴۳	همنوازی نور و سایه
۴۶	صدای پای آب
۴۹	موسیقی چهار فصل
۵۲	نوای آسمانی، بانگ زمینی
۵۵	ضرب آهنگ سازه
۵۸	هارمونی مصالح



- ۶۱ ریز مضرب‌ب معماري
- ۶۴ تعامل موسيقي و معماري (هدف از بررسي يك نمونه)
- ۶۷ معرفي فانهي يزدي
- ۷۵ بررسي فضاي موسيقياي در فانهي رسوليان

فصل سوم

- ۸۹ آشنائي با فانهي موسيقي يزدي (بررسي فضاها)
- ۹۷ برنامه ريزي فيزيكي
- ۱۰۱ مطالعات سايت فانهي موسيقي
- ۱۰۱ ويژگي‌هاي مورد نظر براي سايت فانهي موسيقي
- ۱۰۳ معرفي و تمليل سايت

فصل چهارم

- ۱۰۸ مباني نظري طرح
- ۱۰۹ اصول طراحي
- ۱۱۰ بيان كانسپت
- ۱۱۳ روند طراحي
- تبيين طرح نهايي

منابع و مآخذ

...



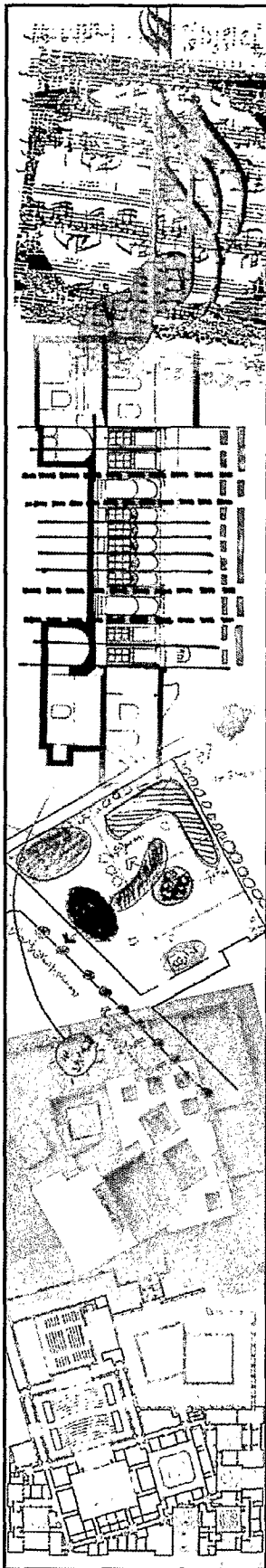
چکیده‌ی پایان نامه

همبستگی هنرها این امکان را میسر می‌سازد تا با فهم ویژگی‌های فاص یا مشترکشان و نیز بررسی رابطه‌های بین آن‌ها، بتوان مسیری برای تعالی و غنا بخشیدن به هر یک جستجو نمود. آشنایی طراح با موسیقی و امکان بهره‌گیری از توانایی‌ها و قابلیت‌های موسیقایی وی در شکل‌گیری طرح معماری، باعث گردید زمینه‌ای مناسب برای انتخاب و طراحی موضوعی که در بر دارنده‌ی هر دو مقوله‌ی موسیقی و معماری باشد فراهم آید.

مسئله‌ی اساسی این رساله تأمل در رابطه‌ی موسیقی و معماری و کنکاش و بررسی این تعامل می‌باشد که به منظور شناخت بیشتر مسئله سعی می‌شود پرسش‌های برآمده از آن از طریق طراحی مجموعه‌ای با عنوان فانهای موسیقی یزد مورد کاوش و پاسخ‌گویی قرار گیرد.

شکل‌گیری طرح‌مایی معماری با توجه به مفاهیم موسیقایی و مضمون آن در کل طرح دغدغه‌ی اصلی این طراحی به شمار می‌آید که با آگاهی از ارتباط معماری و موسیقی در مراتب مختلف و با انتخاب منظر موسیقایی نسبت به فاستگاه‌های طرح‌مایی که موضوع طرح (فانهای موسیقی) - خود هنر موسیقی (و مکان طرح (اقلیم و ویژگی‌های معماری بستر - سایت و ...) را شامل می‌شود، سعی شده است چگونگی پیدایش این طرح‌مایی مورد جستجو قرار گیرد.

این رساله در چهار فصل تنظیم شده است که پس از مقدمه، در فصل اول با شناخت موسیقی، نگرشی موسیقایی حاصل می‌شود؛ در فصل دوم با استفاده از این نگرش، رابطه‌ها و چگونگی تعامل معماری بستر، سایت طراحی و یک نمونه از معماری یزد با موسیقی مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ در فصل سوم با جمع بندی نتایج به دست آمده مبانی نظری و طرح‌مایی طرح بیان و در فصل آخر روند شکل‌گیری طرح و طرح نهایی معرفی می‌گردد.



از زمان آشنایی با موسیقی و شنیدن نغمه‌های آن همراه با ضربان درونی وجودم، دریافتم که چه زیبا و بی‌دغدغه می‌توانم با آن انس بگیرم. از این رو بر آن شدم تا با غرق شدن در دریای این هنر، درونی زیباتر بسازم و با این زیبایی درون، فود و دنیای اطرافم را بهتر بشناسم.

این آغاز راه من نبود چرا که قبل از آن با آشنایی و درگیری با معماری که به جهت جنبه‌های هنری و زیبایی‌شناختی در بین دیگر رشته‌های فنی آن را برگزیده بودم، این مسیر را در زندگی شروع کرده بودم.

تا پیش از آشنایی با موسیقی دو چشم و گوشم تنها می‌دیدند و می‌شنیدند، اما پس از احساس موسیقی در وجودم سعی کردم تا با چشم‌هایم دیدنی‌های اطرافم را گوش دهم و با گوش‌هایم آن‌چه را می‌شنوم ببینم. به دنبال این مسأله موسیقی (که تمرین شنیدن بود) را با معماری (که تمرینی برای دیدن بود) همراه ساختم تا از این همراهی، امکانی دو برابر برای دیدن، شنیدن و ساختن زیبایی فراهم آورم.

از این رو پایان‌نامه‌ام را که پایانی برای تحصیلات دوران دانشجویی تصور می‌شود، آغازی فوش‌یمن دانستم برای گام نهادن در مسیر این تجربه؛ که چگونه می‌توانم با دو بال موسیقی و معماری در آسمان هنر پرواز کنم. برای شروع تصمیم گرفتم ذهن فود را در وادی این دو هنر آزاد گذاشته و به طور عام با موسیقی و معماری روبرو شوم، بدین جهت به نظرم رسید با انتخاب مسأله‌ای با عنوان کلی رابطه و تعامل موسیقی و معماری، بتوانم با زوایای بیشتری از این دو هنر و همبستگی آن آشنا شوم.

با این توضیحات این رساله را با تمام نقاط ضعف و قوتش، می‌توان آغاز دفتر تجربه‌های این‌جانب از دنیای مشترک موسیقی و معماری دانست که سعی شده است ضمن ورق زدن آن با جستجو نمودن سرنخ‌هایی در این تجربه‌ها، راهی به سوی پژوهش‌های آینده‌ی فویش در مسیر این دو هنر، جست و جو کنم تا به گوش‌ی بینا و چشمی شنوا جهت بهتر دیدن و شنیدن دنیا و آفرینش زیبایی‌ها دست یابم.

دنیایچه کی نور صدانست
جهان عمر از بجلی مای مانیست

با یاد او که سرآغاز همه‌ی زیبایی‌ها است

مقدمه

ضمن آشنایی با هنرهای هفت‌گانه می‌توان به این نکته پی برد که تمامی آن‌ها در بعضی زمینه‌ها دارای اشتراکاتی می‌باشند که باعث پیوند خوردن و همبستگی آن‌ها با یکدیگر می‌شود. توجه کردن و بررسی این اشتراکات و نیز غافل نماندن از تمایزات آن‌ها، می‌تواند راهی را نشان دهد که به سوی متعالی گشتن هر یک از آن‌ها منتهی می‌شود. در این راستا نگرستن به یک هنر از زاویه‌ی دید یک هنر دیگر می‌تواند روشی مناسب برای پیمودن این مسیر باشد.

با این مضمون در این رساله سعی خواهد شد تا با استفاده از هنر موسیقی از منظری دیگر به معماری نگاه شود، تا با بررسی نقاط مشترک و متفاوت این دو و نیز چگونگی ایجاد ارتباط بین آن‌ها بتوان به شناخت بیشتر و بهتری نسبت به معماری و موسیقی دست یافت. در این رابطه با توجه به این که موسیقی یک هنر محض و زیبا است و معماری هنری کاربردی (که ضمن بیان زیبایی‌ها علاوه بر نیازهای روحی به نیازهای جسمی وی پاسخ می‌دهد)، به نظر می‌رسد استفاده از امکانات، قابلیت‌ها و ویژگی‌های موسیقی در خلق زیبایی و بیان احساسات در حیطه‌ی معماری، می‌تواند آن را بیش از پیش دست کم از بابت مسائل زیبایی‌شناختی در معماری غنی‌تر سازد.

با توجه به اهمیت این قضیه می‌توان ضرورت بررسی و تحقیق در مورد چگونگی ارتباط موسیقی با معماری و کیفیت بهره‌گیری معماری از قابلیت‌های موسیقی را به خوبی احساس نمود. در این رساله با هدف آشنایی بیشتر با این رابطه‌ی دو سوی معماری و موسیقی و با روشی که برای رسیدن به آن در این مسیر اتخاذ شده و در ادامه‌ی مطالب توضیح داده خواهد شد، سعی می‌گردد ضمن رسیدن به این آشنایی و شناخت، به بررسی نتایج آن در زمینه‌ی طراحی معماری پرداخته شود.

بیان مسأله

در این بخش و در ابتدای مسیری که در آن گام نهاده خواهد شد، شایسته است جهت همواری و روشن نمودن مسیر این رساله، در حد امکان به معرفی آن از بابت آشنایی با مبدأ مسیر، مقصد آن و چگونگی رسیدن و نزدیک شدن به این مقصد پرداخته شود. از این روی با عنوان نمودن مباحث اصلی این بخش و در پی آن اشاره‌ای کوچک، به مطالبی که در بخش‌های بعدی به نظر خواهد رسید، سعی می‌شود تصویری از این مسیر و فراز و نشیب‌هایش در ذهن نقش بندد.

این بخش دو قسمت عمده را در بر می‌گیرد که قسمت اول به بیان مسأله اصلی می‌پردازد و با باز کردن مباحث آن سعی در آسان‌تر نمودن درک مطالب قسمت دوم دارد؛ پس از بیان مسأله، در قسمت دوم موضوع این رساله که خود بهانه‌ای برای شفافیت بیشتر مسأله است، معرفی و در حد لزوم بررسی و موشکافی خواهد شد.

پیش از توضیحات بیشتر و ارائه‌ی مطالب، نکته‌ای باید عنوان شود که به واسطه‌ی آن فهم چگونگی نگارش این رساله آسان‌تر خواهد بود و آن استفاده از شیوه یا نگرش پرسش‌سازی برای بیان مطالب می‌باشد؛ بدین سبب سعی شده است مباحث مورد نظر از دو روش زیر بیان شود.
یک: در ابتدا پرسشی مطرح شده و از طریق پاسخ‌گویی آن مطلب مورد نظر ارائه شود.
دو: سیر مطالب به گونه‌ای باشد که برای درک بهتر مطالب ارائه شده، پرسش‌هایی راجع به آن و در تکمیل آن طرح شود.

در آغاز قسمت اول، مسأله اصلی رساله می‌توان این گونه بیان کرد:

« بررسی رابطه و تعامل بین دو هنر موسیقی و معماری »

برای بازتر شدن مسأله، می‌توان نخستین پرسش را این گونه مطرح نمود که:

- چرا و به چه دلایلی این مسأله برای پایان‌نامه انتخاب شده است ؟

ضمن پاسخ‌گویی به این پرسش فرصت را مغتنم شمرده تا در ابتدا خود پایان‌نامه و موضوعیت آن از نظر نگارنده عنوان شود: با فراگیری معماری در طول دوران دانشکده و نیز آشنایی با موسیقی در همین دوران، آرایه‌ی پایان‌نامه فرصت مناسبی به نظر می‌رسید برای:

۱. برگشت به دوران تحصیل و جمع‌بندی آموخته‌ها.

۲. تقویت آموخته‌ها به ویژه افزایش توانایی‌ها در طراحی معماری.

۳. استفاده از هنر موسیقی برای تکمیل آموخته‌ها و توانایی‌های معماری.

با چنین دیدگاهی نسبت به پایان‌نامه و نیز علاقه‌مندی به امر پژوهش در زمینه‌ی تعامل بین هنر موسیقی و معماری، می‌توان گفت مسأله‌ی مطرح شده قابلیت و ظرفیت کافی برای انتخاب شدن جهت

پایان نامه دوره‌ی کارشناسی ارشد را دارد و همچنین از این بابت می‌تواند سرآغازی برای تحقیقات و مطالعات بیشتر و کامل‌تر در زمینه موسیقی و معماری فرض شود. جهت روشن‌تر شدن مسأله، می‌توان آن را از طریق این پرسش که از همان سال‌های آغاز آشنایی با موسیقی در دوران فراگیری معماری برای نگارنده مطرح شده بود ریشه‌یابی نمود:

- چرا نواختن ساز در تالار یا میخانه رسولیان با آن فضای معماری دلنشین لذت بیشتری از اجرای موسیقی در فانه‌ی معمولی (دانشجویی) دارد؟

این پرسش را می‌توان آغازی دانست برای شکل‌گیری پرسش‌های دیگری از این دست:

- چرا بعضی فضاهای معماری قابلیت بهتر و بیشتری برای پرورش و پرواز احساس موسیقی دارند؟

- چرا فضاهای معماری متفاوت، انواع گوناگونی از موسیقی را طلب می‌کنند؟ فرضاً چرا در بعضی از فضاهای معماری صدای سازهای سنتی از صدای دیگر سازها دلنشین‌تر است؟

- چرا با دیدن بعضی معماری‌ها، موسیقی را می‌توان در ذهن نقش بست؟

همچنین بر این اساس پرسش‌هایی عکس سوالات ذکر شده نیز می‌تواند مطرح شود:

- چرا وقتی یک نوع موسیقی را می‌شنویم، یک نوع فضای معماری خاص در ذهن تداعی می‌شود؟

که این پرسش را به این شکل نیز می‌توان مطرح نمود:

- فرضاً یک موسیقی حماسی و ملی و یا یک موسیقی عرفانی یا مذهبی را مایل هستیم در چه فضای معماری و با چه ویژگی‌هایی گوش دهیم؟

در این جا پیش از ادامه‌ی بحث لازم است ذکر شود که در این رساله قرار نیست به این پرسش‌ها پاسخ داده شود بلکه این سوالات مسیری را نشان می‌دهد که مسأله‌ی اصلی تحقیق در روند آن شکل گرفته است.

تمامی این پرسش‌ها به نوعی بیان‌گر رابطه تعاملی بین موسیقی و معماری می‌باشند، البته واضح است که این رابطه را نه تنها بین این دو هنر، بلکه در بین همه‌ی هنرها می‌توان جستجو و پیدا نمود. آشنایی بیشتر با این رابطه و کشف چگونگی آن بی‌شک می‌تواند در متعالی ساختن و غنا بخشیدن به هر کدام تأثیر بسزایی داشته باشد؛ چرا که هر یک از دو مقوله موسیقی و معماری دارای یکسری خصوصیات و ویژگی‌های خاصی هستند که با درک رابطه بین این دو هنر می‌توان از آن خصوصیات در آفرینش و یا درک دیگری استفاده نمود.

از نظر نگارنده با تحقیق و پژوهش در این رابطه به نظر می‌رسد اگر بتوان به زبانی برای ترجمه‌ی معماری به موسیقی و برعکس دست یافت هم بهتر می‌توان هر یک از آن‌ها را ادراک نمود و هم اینکه با دستیابی به این زبان مشترک می‌توان منابع موسیقایی را منابعی الهام‌بخش برای معماری و برعکس دانست. با این توضیحات مسأله را می‌توان در قالب این پرسش‌ها بدین گونه مطرح نمود که:

- آیا ممکن است از طریق بینایی و دیدن، احساس شنیدن تداعی شود؟

- آیا این امکان وجود دارد که از طریق گوش دادن و شنیدن، احساس دیدن تداعی شود؟

- اگر پاسخ این پرسش‌ها مثبت است، از چه راه و روشی می‌توانند تمقق یابند؟

بدیهی است اگر بتوان با درک فضای معماری، موسیقی را تصور کرد آنگاه با آشنایی با هنر موسیقی و ویژگی‌های آن، بیش از پیش می‌توان فضاهای معماری را درک نمود و از آن در تحلیل‌ها و طراحی‌های معماری استفاده نمود. با این بهانه پرسش‌های زیر را جهت روشن و شفاف‌تر شدن این بحث می‌توان مطرح نمود:

- چگونه می‌شود فضای موسیقی را در فضای معماری متجلی و یا احساس کرد؟

- چگونه می‌شود یک فضای معماری را براساس مفاهیم موسیقایی ادراک نمود؟

- امکانات و قابلیت‌های معماری برای تجلی و درک فضای موسیقی چیست؟

- امکانات و قابلیت‌های موسیقی برای تجسم یافتن در معماری کدام است؟

- موسیقی و معماری از طریق چه نقاط اشتراک یا تمایزی می‌توانند از هم دور یا به یکدیگر نزدیک شوند؟

طرح چنین پرسش‌هایی و تأمل در آنها یقیناً می‌تواند در آشکار شدن رابطه‌ی تعاملی بین معماری و موسیقی که دغدغه اصلی این رساله خواهد بود نقش مهمی ایفا کند؛ البته دوباره یادآوری می‌شود که پاسخ‌گویی به هر یک این پرسش‌ها خود می‌تواند سرآغاز تحقیقی مفصل‌تر باشد و در این رساله تنها به منظور شفاف شدن مسأله و بیان اهمیت آن مطرح می‌شوند.

در طول مسیر این رساله، بنابر موضوع انتخابی برای پایان نامه و با توجه به زمان محدود این رساله، سعی خواهد شد تا حد ممکن مسأله‌ی عنوان شده باز و تحلیل و موشکافی شود. در این بخش پیش از بیان موضوع، اختصاراً و به عنوان سرآغاز مطلب تاحدی رابطه‌ی بین موسیقی و معماری معرفی می‌شود (لازم به ذکر است که این مطالب برگرفته از مشورت‌های نگارنده با آقای دکتر مندگاری می‌باشد).

وقتی هنرها در کنار یکدیگر بررسی و مقایسه شوند، دیده خواهد شد که آنها در سه مرتبه‌ی بارز می‌توانند با یکدیگر تعامل و ارتباط داشته باشند. چون در این رساله بحث بر سر موسیقی و معماری است، سعی می‌شود این ارتباط‌ها بین این دو مقوله عنوان و بررسی شوند، در این جا بر اساس میزان عمیق بودن این رابطه‌ها، از آخر به اول بیان می‌شوند.

سومین مرتبه‌ی ارتباط بین هنرها، آن جاست که آثار هنری به عنوان مصادیق هر رشته‌ی هنری با یکدیگر قیاس می‌شوند. مثلاً می‌توان به مقایسه یک آهنگ خاص با یک بنا یا فضای معماری خاص اشاره نمود. در این قیاس آنچه به نظر می‌رسد این است که یک آهنگ (که از یکسری صدا و زمان تشکیل شده است) با یک فضای معماری (که از مصالح و مواد و عناصر طبیعی شکل گرفته است) نمی‌تواند تشابه چندانی داشته باشد. البته گاهی به علت تشابه و یکسان بودن تأثیرات حاصل از بعضی صداها بر ذهن، با تأثیر بعضی از مواد و مصالح بر ذهن، می‌توان شباهت‌هایی هرچند انتزاعی بین آن دو اثر موسیقی و معماری متصور شد. این نوع ارتباط مستقیم و شکلی نیز می‌تواند باشد مانند تأثیرات ویژگی‌های فضای اجرای موسیقی در معماری آن یا نشانه‌های مستقیمی که بتواند این رابطه را در سطحی ترین حالت خود نشان دهد.

دومین مرتبه‌ای که هنرها و از جمله موسیقی و معماری می‌توانند با یکدیگر تعامل و رابطه برقرار سازند آن جا است که قواعد و دستورات مخصوص به هر یک مطرح می‌شود. به عنوان مثال قواعدی که

بین صداهای خوش آهنگ وجود دارد با قواعدی که در نماهای خوش تناسب دیده می‌شوند. در این مرتبه که بالاتر از مرتبه قبلی است نیز می‌توان تشابهات یا تمایزاتی در این قواعد و دستور مشاهده نمود. اما اولین مرتبه‌ی ارتباط و تعامل بین هنرها که از دو مرتبه‌ی قبلی نیز بالاتر است، مرتبه‌ی ذات هنرها است که در این قسمت تشابهات بیشتر از تمایزات به چشم می‌خورند، چرا که ذات و هدف اصلی هر هنری بیان احساسات هنرمند است و رابطه‌ی حضوری و مستقیم با درون وی دارد. در این جا به منظور خلاصه کردن کلام این انواع ارتباط سه گانه در جدول زیر نمایش داده شده است. البته جهت آشنایی بیشتر با این سه مرتبه علاوه بر موسیقی و معماری به ادبیات نیز اشاره شده است.

موضوع	موسیقی	معماری	ادبیات	
معانی (ذات موضوع)	- بیان احساسات - آفرینش فضا با استفاده از مس شنوایی+ذهن	- ایجاد شرایط زندگی - بیان احساسات - آفرینش فضا با بهره‌گیری از حواس بینایی، لامسه، شنوایی و بویایی + ذهن	- ایجاد ارتباط - بیان احساسات - آفرینش فضا با استفاده از مس شنوایی+ذهن	مرتبه‌ی اول
اجزای سازنده اصلی	صدا + سکوت + زمان	مواد و مصالح+عناصر طبیعی+زمان	واژه ها	
مفاهیم پایه	قواعد و تکنیک های آهنگ سازی (ضرب، ریتم و ...)	اصول و قواعد معماری (هندسه، سازه و ...)	قواعد و اصول ادبیاتی	مرتبه‌ی دوم
مصادیق	یک اثر موسیقی (آهنگ)	یک اثر معماری (بنا)	یک اثر ادبی (شعر)	مرتبه‌ی سوم

بیان موضوع

اکنون پس از بیان و آشنایی با مسأله اساسی این پایان‌نامه «**رابطه و تعامل بین معماری و موسیقی**» نوبت به آن می‌رسد تا در قسمت دوم این مقدمه به بیان موضوع پرداخته شود. همان‌طور که پیش از این نیز گفته شد پایان‌نامه را می‌توان به‌عنوان فرصتی مناسب جهت تکمیل توانایی‌ها و تکنیک‌های طراحی معماری دانست. این مطلب از یک سو و گستردگی مسأله و نیز زمان مختصر پایان‌نامه از دیگر سو، جهت و مسیر رساله را به این سمت هدایت می‌کند تا با انتخاب موضوعی به صورت طراحی معماری، بتوان مسأله‌ی اصلی این رساله را تا حدی تعریف و محدود نمود.

از این رو سعی شد تا با انتخاب موضوعی که هم موسیقی را در بر داشته و هم ویژگی‌های عمومی طراحی معماری را داشته باشد، به بررسی رابطه و تعامل بین معماری و موسیقی پرداخته شود. با توجه به این مطالب و نیز نیاز به فضایی جهت ساماندهی به امور موسیقی در شهر یزد به نظر می‌رسید موضوعی با عنوان خانه‌ی موسیقی یزد بتواند بهانه‌ای مناسب جهت مکاشفه در دنیای موسیقی و معماری باشد. البته این نکته را باید گفت که تمامی بناها باید به نوعی موسیقی را نیز در بر داشته باشند ولی برای این که سؤال اصلی رساله مورد توجه قرار گیرد این موضوع انتخاب شده است. در این جا به علت طراحی بودن جنس موضوع (خانه‌ی موسیقی یزد) و نیز تحقیقی بودن مسأله (رابطه و تعامل معماری با موسیقی) می‌توان چنین پرسش‌هایی را مطرح کرد:

- چگونه می‌توان با توجه به جنبه‌ی تمثیلی این رابطه، از آن در جهت پیشبرد مراحل مختلف طراحی معماری استفاده نمود ؟

- چگونه می‌شود در موسیقی بهانه‌هایی برای طراحی معماری جستجو کرد ؟

- با کشف این بهانه‌ها سیر شکل‌گیری یا فرآیند طراحی معماری چگونه خواهد بود ؟

با طرح پرسش‌هایی از این دست و تلاش جهت پاسخ‌گویی به آن‌ها، به نظر می‌رسد می‌توان هر چه بیشتر به رابطه بین موسیقی و معماری، دست کم از این منظر و به عنوان نقطه‌ی شروع پژوهش نزدیک شد. برای پاسخ دادن به پرسش‌های مطرح شده، با استفاده از تجربیات به‌دست آمده در مسیر این رساله، می‌توان نکات و مراحل زیر را عنوان نمود:

- بررسی موسیقی و ویژگی‌های آن.

- تحلیل و بررسی بهانه‌های به دست آمده از موسیقی، برای رسیدن به یک منظر یا زاویه‌ی دید به منظور بررسی دیگر مسایل.

- تبیین موضوع و تحلیل آن با توجه به نوع نگرش حاصل شده.

- باز نمودن مسائل مرتبط با موضوع و شناخت آنها و استفاده از مفاهیم موسیقایی در این موشکافی.

- جمع بندی نتایج.

- بیان مبانی نظری جهت آشکار شدن موسیقی وارانهای اصول به منظور رسیدن به حضور موسیقی در معماری.

- پیدایش و ارائه‌ی کانسپت.

- و.....

چنان که مشاهده می‌شود در تمامی این مراحل می‌توان حضور موسیقی را حس نمود، بدین ترتیب می‌توان امید داشت که محصول این فرآیند و مقصد این مسیر نیز جنسی موسیقایی داشته باشد. با بیان این مطالب در ادامه‌ی این بخش سعی می‌شود با بیان اشاره‌وار و یا به صورت پرسشی، خلاصه‌ای از روند طی شده در این رساله، برای ایجاد شناخت و رسیدن به پاسخ نهایی ذکر شود:

اول- انتخاب موضوع « فانه‌ی موسیقی یزد » دوم- تبیین و بررسی موضوع با نگاه موسیقی

فانه: دستیابی به موسیقی خانه

موسیقی: دست یابی به نوعی نگرش جهت بررسی دیگر موارد

یزد: درک موسیقی و آهنگ اقلیم و معماری یزد

فانه‌ی موسیقی: تحلیل موضوع و کشف نوع موسیقی این مجموعه

اکنون با تبیین موضوع با نگرش موسیقایی، در ادامه پرسش‌های اساسی مرتبط با هر یک از این موارد ارائه می‌شود: (در بخش شناخت سعی شده است با توجه به این پرسش‌ها موارد مذکور بررسی شوند)

پرسش‌های مرتبط با بخش موسیقی

- منظور از نوع نگرش موسیقایی چیست؟ و چگونه می‌توان این نگرش را بدست آورد؟

- چه امکاناتی در موسیقی برای حضور در معماری و حالت بخشیدن به آن وجود دارد؟

پرسش‌های مرتبط با بخش فانه

اگر برای هر نوع معماری بتوان یک نوع موسیقی متصور شد :

- موسیقی فضای فانه، چه نوع موسیقی‌ای است؟

- این موسیقی چگونه در این فضا شکل گرفته است؟ یا به عبارت دیگر فانه به چه نحو توانسته با استفاده از

عناصر در اختیارش موسیقی بیافریند؟

پرسش‌های مرتبط با بخش اقلیم

اگر برای هر اقلیم بتوان موسیقی خاصی تصور کرد :

- با توجه به اینکه طبیعت منشأ تمامی هنرهاست چگونه می‌توان از عوامل و عناصر طبیعت در جهت

آفرینش مال و هوای موسیقی در فضای معماری استفاده کرد؟

- اقلیم گرم و خشک یزد با چه نوع موسیقی ای متناسب است؟
- معماری یزد به طور عام در ارتباط با این اقلیم چگونه هماهنگ می شود و چه موسیقی ای را می سازد؟

پرسش های مرتبط با بخش خانگی موسیقی

- باتوجه به نوع موسیقی هر فضا یا مجموعه ای معماری، موسیقی " خانگی موسیقی یزد" چگونه است؟
- چگونه می توان این موسیقی را در معماری این مجموعه به وجود آورد؟

پرسش های مرتبط با بخش سایت

- آیا هر زمینی موسیقی و آهنگ خاص خود را دارد؟ زمین های درون بافت قدیم؟ زمین های همجواری با بناهای تاریخی و ارزشمند یا بناهای خاص؟ زمین های مسطح، زمین های شیب دار؟
- موسیقی چه زمین هایی می تواند هماهنگ با موسیقی مجموعه باشند؟
- دسترسی ها چگونه، آیا آنها هم موسیقی دارند؟ کوچه های باریک؟ کوچه های ممله ای؟ فیابان های اصلی یا فرعی یا بلوارها؟ کوچه باغها؟
- چگونه دسترسی ها می توانند در جهت آفرینش موسیقی این مجموعه هماهنگ باشند؟
- چه کاربری ها و عملکردهایی هم نوا یا همساز با موسیقی خانگی موسیقی می باشند؟
- کدام جهات سایت قابلیت آفرینش موسیقی ای هماهنگ با موسیقی مجموعه دارند؟
- نقاط و مکان های خاص درون سایت که خود امکانی برای آفرینش موسیقی دارند کجاها هستند؟ و چه ویژگی هایی دارند؟

با تأمل در این پرسش ها و تلاش برای یافتن پاسخ مناسب می توان گفت شناختی موسیقایی از موضوع حاصل شده (البته باید به نکته اشاره کرد که سؤالات مطرح شده به عنوان یک سؤال تحقیقی مطرح نیستند که انتظار باشد با دقت به آن ها پاسخ داده شود و صرفاً جهت بیان موضوع و نوع برخورد با آن طرح شده اند) و پس از آن است که باید با بیان مبانی نظری و اصول طراحی، البته آن هم با زبانی موسیقایی، کانسپتی ارائه شود که با قابلیت ها و ظرفیت هایش، توانایی آن را داشته باشد که با حضور در تمام طرح، بتواند بیانگر مبانی و اصول به دست آمده از این شناخت موسیقایی باشد. بدیهی است با پشت سر گذاردن چنین مراحل می توان به بار نشستن محصول و اثری معماری با حس و حال موسیقی و برخاسته از رابطه و تعامل بین موسیقی و معماری که مسأله اصلی این رساله می باشد را مشاهده نمود.

فصل اول

مطالعات موسیقی

نیم نگاهی به موسیقی ایران

موسیقی و ریزو

تعریف موسیقی

عوامل سازنده موسیقی

از موسیقی تا معماری

آشنایی با موسیقی

پس از بیان و آشنایی با مسأله و موضوع این رساله به نظر می‌رسد برای نزدیک شدن به مسأله و روشن‌تر شدن آن باید از دو مسیر موسیقی و معماری مطالعات و بررسی‌های لازم را انجام داد. در این بخش از مطالعات طراحی در ابتدا به اختصار درباره‌ی موسیقی در ایران و سابقه‌ی آن در یزد اشاره خواهد شد. (که این مطالب بیشتر بر اعتبار بیرونی موضوع خانه‌ی موسیقی یزد صحنه می‌گذارد) سپس برای آشنایی بیشتر با موسیقی با تعریف مختصری از آن به معرفی ویژگی‌های اساسی موسیقی و عوامل سازنده‌ی آن پرداخته می‌شود؛ البته باید گفت هدف اصلی از این بررسی دست‌یابی به عوامل و دست‌مایه‌هایی است که با توجه و استفاده از آن‌ها بتوان منظری جهت بررسی و تحلیل‌ها در بخش مطالعات معماری ایجاد نمود. بر این اساس در انتهای این بخش سعی خواهد شد تا با تنظیم نکات به دست آمده از این مطالعات مختصر موسیقی، دیدگاه و منظر موسیقایی لازم جهت بررسی‌های معماری تا حد امکان معرفی و بیان شود.

نیم نگاهی به موسیقی ایران^۱

"موسیقی ایران در دوره قبل از اسلام: با توجه به اهمیت موسیقی در دوره‌ی ساسانی، جهت آشنایی با اوضاع موسیقی در دوران پیش از اسلام می‌توان سریع به این دوره اشاره نمود. بنیان سلسله ساسانی به دست اردشیر بابکان گذاشته شد. ایران به دست وی تحت یک حکومت مرکزی در آمد و دین زرتشت آیین رسمی کشور گردید. از جمله هنرهایی که از زمان اردشیر بابکان و جانشین وی شاپور اول مورد حمایت بود و در زمان انوشیروان به منتهای درجه‌ی کمال خود رسید هنر موسیقی است. در زمان خسرو پرویز با زمینه‌ای که از پیش فراهم بود و استادان و موسیقی دانان ماهر و زبر دستی که وجود داشتند، موسیقی ایران در جایگاهی بس رفیع قرار داشت و این دوره را می‌توان عصر طلایی موسیقی ایران و آن عصر را ریشه موسیقی ایران بعد از هجوم اعراب و نیز ممالک عربی دانست.

از جمله موسیقی دانان معروف عصر ساسانی می‌توان نکیسا، بامشاد، رامتین، سرکش، آزاد، چنگی و باربد را نام برد. در تاریخ از باربد به عنوان بزرگترین موسیقی دان و آهنگساز این دوره یاد شده و بسیاری از الحان و نواهای موسیقی را که هنوز بعضی از آنها با همان نام در ردیف دستگاه‌های موسیقی کنونی ما باقی مانده است، از ساخته های او می‌دانند. باربد برای هر روز هفته، آهنگی ساخته بود که آن را « هفت خسروانی » می‌گفتند و برای هر روز از سی روز ماه لحنی ساخته بود که به « سی لحن باربد » معروف است و نیز برای سیصد و شصت روز سال اوستایی سیصد و شصت داستان ساخته بود و هر روز آنها را اجرا می‌کرد.

موسیقی در دوران اسلامی: پس از انحلال و زوال دولت ساسانی در عصر و زمان خلفای راشدین در ایران، زمینه و جایی برای پرداختن به تعلیم، ترمیم و گسترش موسیقی نبوده است. با گذشت زمان و با ظهور ابونصر فارابی (ریاضی‌دان، ستاره‌شناس و موسیقی‌دان ایرانی) هنر موسیقی رونق و رواج دیگری پیدا کرد. پس از فارابی، ابن سینا در زمینه‌ی موسیقی کوشش‌هایی انجام داده است. خواجه کمال الدین عبدالقادر مراغه‌ای یکی دیگر از برگزیدگان و نخبگان نوای خوش ایران بود. مراغه‌ای آخرین ستاره‌ی فروزان آسمان موسیقی ایران است که با رفتن او دیگر کسی چون وی و پیشینیان نیامد.

عرفا و شعرای نامدار ایران زمین موسیقی را تقدیس می‌کرده‌اند و آن را وسیله‌ای برای عروج و پالایش روح می‌دانسته‌اند. حضرت مولانا موسیقی را می‌ستاید و علم موسیقی را نزد خود چون شهادت می‌داند. خواجه‌ی کرمانی، شاعری برخاسته از قلب کویر نیز به موسیقی عشق می‌ورزد و چون دیوان او را بگشاییم حضور موسیقی را در جای جای آن، به وضوح احساس خواهیم کرد که این خود بیانگر عشق سرشار و توجه خواجه به موسیقی است و چه زیبا می‌سراید که:

نوای مطرب و آواز چنگ است

زبان درکش که ما را رهنز دل

۱- مطالب این قسمت برگرفته از پروژه‌ی تحقیقی اداره‌ی فرهنگ و ارشاد یزد با عنوان "بررسی و شأن منزلت موسیقی از دیدگاه جوانان شهر یزد" صفحات ۱۹ تا ۶۹ از می‌باشد. محقق: محمد رضا جعفری- تاریخ: زمستان ۸۳

استفاده از گوشه های موسیقی دستگاهی ایرانی در مرثیه و تعزیه و مداحی، در مجالس عزاداری بزرگان دین و نیز استفاده از سازهای کوبه ای و بادی از قبیل طبل و شیپور و نی در بعضی از هیأت های سینه زنی در ایام محرم و صفر و نیز شبیه گردانی، همچنین خواندن مطالب مذهبی و مدایح و مرثی به صورت نظم و نثر و اجرای آن در قالب گوشه های گوناگون موسیقی ایران، حکایت از آن دارد که فرهنگ ریشه دار و موسیقی ایران همواره در شریعت و مذهب ما نقش داشته است. شیوه روضه خوانی اهل خطابه و منبر و الحان مداحان اهل بیت، پرتوی از موسیقی ایرانی است. نوای روح بخش و آسمانی اذان مؤذن زاده اردبیلی در بیات ترک که یکی از پنج آواز فرعی موسیقی ایرانی است نشان دیگری از حضور موسیقی در الحان مذهبی ما است. نخستین حضور و تأثیر موسیقی در جامعه اسلامی، علم تجوید قرآن به وسیله سلمان فارسی است. امروز نیز تلاوت آیات قرآن کریم این کتاب آسمانی را طبق اصول و قواعد موسیقایی تلاوت می کنند. (از نگارنده: در این جا لازم است به اهمیت موسیقی در دوران صفویه نیز اشاره نمود تا آن جا که اتاقی مخصوص موسیقی در کاخ عالی قاپوی اصفهان ساخته می شود).

بعد از زوال و سرنگونی حکومت دولت ساسانی بسیاری از آثار و آهنگ های ساخته شده ی عهد باستان، به دلیل نبودن خط (نت) و ثبت نشدن از بین رفته است، بیشترین کوشش جهت حفظ و اشاعه ی قسمتی هم که مانده را ابتدا مرحوم علی اکبر خان (نوازنده ی تار در زمان قاجاریه) تقبل کرد و پس از آن توسط او به آقا غلامحسین و از آقا غلامحسین نیز به عموزاده های او (آقا میرزا عبدا... و آقا میرزا قلی خان) آموزش داده شد. در عهد قاجار و به خصوص از اواسط این دوره، موسیقی ایرانی مورد توجه و حمایت قرار گرفت. بعد از علی اکبر خان فراهانی، میرزا عبدا... فرزند هنرمند و شایسته او میراث دار هنر پدر خویش می شود و میراث گرانبهای پدر را نظم خاصی بخشیده با عنوان ردیف میرزا عبدا... از خود به یادگار می گذارد و به این ترتیب موسیقی ایرانی را از خطر فراموشی نجات می دهد.

با تغییر و تحولات بعد از مشروطیت اگرچه هنرمندانی چون ابوالحسن صبا، نورعلی خان برومند، مهدی قلی هدایت در عرصه موسیقی کشور حضوری گسترده داشتند، اما به جهت برخوردهای نامناسب از سوی بعضی از مسؤولان فرهنگی و هنری کشور به طور کلی نظام موسیقی کشور، تعادل خود را از دست داد و سیمای موسیقی ایرانی به گونه ای دیگر نمایان گردید. در سال ۱۳۰۲ به همت روح... خالقی و علی نقی وزیری، مدرسه ی عالی موسیقی ایران تأسیس گردید. از میان شاگردان آن ها می توان از موسی و جواد معروفی و حسینعلی ملاح نام برد. متأسفانه باگذشت زمان و حاکم شدن سیاست نادرست در امور فرهنگی کشور این مرکز موسیقی تعطیل شد تا این که با تأسیس دانشکده ی هنرهای زیبا در سال ۱۳۴۴ راه تازه ای برای آموزش و اشاعه ی موسیقی ایرانی فراهم شد اما نور این امید نیز خاموش شد. اما باز هم در این میان هنرمندان متعهد و مظلومی بودند که با حفظ و اشاعه میراث موسیقی صاحب پیام ایرانی، بار عظیم فرهنگی و هنری این مرز و بوم را به هر شکل و بهانه ای که بود به دوش کشیدند. نقش مرحوم استاد داوود پیرنیا بنیانگذار برنامه فراموش نشدنی گلها بسیار ارزنده و چشمگیر است.

در سال های پس از انقلاب نوعی طراوت و تحول در درون موسیقی ایرانی پدید آمد و آثار ارزنده ای از استادان بزرگ موسیقی به دستداران هنر عرضه شد. متأسفانه چند سالی است که موسیقی اصیل

ایرانی دچار نوعی رکود و ایستایی شده است. سطح سلايق در جهت کیفیت آثار موسیقی، تنزل کرده است و شنوندگان بیشتر به دنبال آثاری هستند که کلیشه‌ای و مقطعی است، مگر عده‌ای اندک که به دنبال اندیشه‌های غنی و موسیقایی هستند. صدا و سیما و مراکز موسیقی و همه‌ی افراد و گروه‌هایی که نوعی به این هنر وابسته‌اند، باید وسواس و جدیت بیشتری به خرج دهند تا سطح سلیقه‌های عوام را به سوی تعالی سوق دهند.

موسیقی در یزد

موسیقی آئینی (زرتشتیان): موسیقی را نمی‌توان به اسلام یا یهودیت یا دین زرتشتی نسبت داد اما یکسری ویژگی‌های موسیقی، از اختصاصات زمان خاصی بوده است که بعدها به مرور زمان یا جزء فرهنگ و آیین جامعه شده است یا اینکه از بین رفته است. وقتی صحبت از موسیقی زرتشتی می‌شود آنچه خاص موسیقی زرتشتی بوده است چند چیز می‌باشد:

(۱) آواز: وز یعنی پریدن، خواندن، فریاد کردن، دادزدن و بانگ بلند. آواز از دو حرف آوز تشکیل شده است. ۶۰ تا ۷۰ درصد موسیقی ایرانی به صورت آواز می‌باشد و ۳۰ تا ۴۰ درصد آن با آلات موسیقی نواخته می‌شود.

(۲) فریاد: فره + وز: بانگ بلند به معنای یاری و همکاری و دل‌داری خواستن. در ابتدای شکل گیری این موسیقی بانگ نیایشی بود برای یاری جستن از اهورا مزدا.

بخش عمده موسیقی زرتشتیان به صورت نیایش بود. بخش عمده دیگری در خدمت زبان‌سازی، یک قسمت خیلی مهم از آن هم بخش حماسی موسیقی بوده است و آخرین بخش‌های آن بزمی و مجلسی بوده است. اما آنچه که در مورد موسیقی امروز زرتشتیان می‌توانیم بگوییم این است که این موسیقی قابل تعریف است هر آنچه که به عنوان موسیقی در بین خود دارند موسیقی زرتشتیان است. رزم، سور و سوگ هر کدام که ساز و آواز و زمزمه داشته باشد جزء موسیقی زرتشتیان است. البته بر اساس باورهای آنان حتی لالایی مادران، نماز خواندن، نجوا کردن، و آوازی که همراه با کار و تلاش می‌خوانند (موسیقی کار) یا اگر همراه با موسیقی، بازی آئینی می‌کنند یا رقص می‌کنند همه این‌ها موسیقی است.

دایره نوازی: ساز دایره که در یزد به آن اربونه می‌گویند، ساز سنتی زرتشتیان یزد می‌باشد که در مراسم و جشن‌های خود از این ساز استفاده می‌نمایند.



تعزیه در یزد: یزد به لحاظ مرکزیت استانی خود از تنوع و کثرت بیشتری در برگزاری مجالس عزاداری و تعزیه نسبت به دیگر شهرهای استان برخوردار بوده است. حسینیه های بزرگ در محله های قدیمی عموماً دارای گروه های خاص خود بودند مانند باغ گندم، پشت باغ، فهادان و... تعزیه متحرک که از تکیه امیر چخماق تا تکیه بعثت اجرا می شده و از آن جا هم گروه عزاداران به زیارت حضرت امام زاده جعفر می رفته اند. تعزیه در یزد از بار موسیقایی بیشتری برخوردار بوده است چنانچه در پیش گروه تعزیه و حتی در پیش هیئت عزاداری، گروه نوازنده ی طبل و شیپور و نی و سنج حرکت می کرده اند و این تأثیر فراوانی را بر مخاطبین و تماشاچیان داشته است.

نقارهچی ها: در گذشته (حدود ۵۰-۴۰ سال پیش) سرگرمی مردم یزد بوسیله اجرای بازی های محلی بود که بوسیله نقاره چی صورت می گرفت. هنگام غروب آفتاب این نقاره چی ها در محلی معین بنام نقاره خانه (در بالا خانه ای واقع در میدان قلعه که همان خیابان استانداری فعلی در یزد می باشد) با سرنا و تنبک و دایره (اربونه) آهنگ هایی بنوازند و غروب آفتاب را اعلام دارند. اغلب نقاره چی ها بدون دعوت به خانه های عروس و داماد یا زائو می رفتند و ترانه هایی می خواندند و بازی های مختلفی را به معرض تماشا قرار می دادند. گاهی هم از طرف صاحب خانه قبلاً از نقاره چی ها دعوت به عمل می آمد که در این صورت اکثراً روی حوض خانه تختی می گذاشتند و یا در تالار خانه جای مناسبی قبلاً برای اجرای بازی در نظر گرفته بودند.^۱

پس از اشاره به جایگاه موسیقی در ایران و نیز سابقه ی مختصر موسیقی یزد، در این جا به بیان وضعیت کنونی این هنر در یزد می پردازیم؛ در حال حاضر امور موسیقی در یزد با وجود تنوع و گستردگی، شکلی پراکنده و نامنسجم دارد که به طور کلی مهم ترین فعالیت های موسیقی این شهر را می توان در موارد زیر مشاهده نمود:

۱. آموزش موسیقی در زمینه های نوازندگی سازهای ایرانی و خارجی - آواز ایرانی و پاپ (که در این قسمت در بعضی رشته ها کاستی های کمی و کیفی فراوان دیده می شود).
۲. اجرای کنسرت توسط گروه های یزدی و گاهی نیز گروه های موسیقی دیگر شهرها (تقریباً سالی ۲ کنسرت)
۳. برگزاری جشنواره های موسیقی توسط اداره فرهنگ و ارشاد یزد و نیز کانون موسیقی دانشگاه یزد
۴. برگزاری کنسرت ارکستر ملی کشور با دعوت خانه هنرمندان موسیقی یزد
۵. برگزاری مراسم بزرگداشت هنرمندان موسیقی یزد

۱- مطالب این قسمت برگرفته از پروژه ی تحقیقی اداره ی فرهنگ و ارشاد یزد با عنوان "بررسی و شأن منزلت موسیقی از دیدگاه جوانان شهر یزد" صفحات ۱۹ تا ۶۹ از می باشد. محقق: محمد رضا جعفری - تاریخ: زمستان ۸۲